

حلقه گمشده
یادگیری

دانش آموزان

همان طور که ملاحظه می شود، این شایستگی ها و انتظاراتی که برای دانش آموزان تعریف و تعیین شده است، یک جنبه کاربردی و عملی دارد که بدون آن، شایستگی های مورد نظر محقق نخواهد شد. بنابراین دانش و دانسته های نظری کلاس درس و مدرسه به تنهایی زمینه ساز کسب شایستگی های یادگیری دانش آموزان نخواهند شد؛ بلکه لازم است این دانش اندوزی و دانش شناختی دانش آموزان در عرصه عمل و در زندگی واقعی به اجرا در آید تا در دانش آموزان نهادینه شود. مثال عینی آن یادگیری زبان خارجی است که وقتی فراگیرندگان در محیطی قرار می گیرند، که مردم جامعه به آن زبان سخن می گویند، سرعت یادگیری، میزان رشد آن ها و همچنین تسلط واقعی آن ها نسبت به یادگیری نظری در کلاس آموزشی چند برابر خواهد شد.

منظور از شایستگی، مجموعه ترکیبی از صفات، توانمندی ها و مهارت های فردی و جمعی است که در تمام شئون زندگی و در تمام مؤلفه های جامعه ای صالح است و دانش آموزان در راستای درک موقعیت خود و دیگران و عمل برای بهبود مستمر آن ... باید آن ها را کسب کنند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). این شایستگی ها که باید دانش آموزان آن ها را کسب کنند، محدود به دانش نظری و شناختی نیست بلکه همان طور که آمده است ترکیبی از دانش و شناخت، ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها است.

با این مقدمه به بازخوانی تجربه مشترک معلمان در مدرسه با اولیای دانش آموزان آن مدرسه، در تجربه ای عملی توسط دانش آموزان اشاره می شود. مدیر یکی از مدرسه های دوره اول متوسطه (راهنمایی سابق) علاوه بر مدیریت مدرسه، تدریس یکی از درس های پایه هشتم مدرسه را نیز برعهده داشت. ایشان تجربه ای در این راستا داشت که

سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزش و پرورش، اهداف و شایستگی های جدیدی برای دانش آموزان در دوره های تحصیلی ابتدایی و متوسطه تعریف و تصویب کرده اند. این شایستگی ها، که در پایان هر دوره تحصیلی دانش آموزان باید آن ها را کسب کنند یا در دانش آموزان نهادینه شوند، بر اساس اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش، تحولات جدید جوامع بشری و نیازهای متنوع و متفاوت دانش آموزان تعریف و تصویب شده اند. به عبارتی آموزش و پرورش امروز باید در تربیت فرزندان این مرزوبوم برای کسب شایستگی های لازم زندگی امروز و آینده دانش آموزان، برنامه ریزی و زمینه سازی کند. این شایستگی ها در قالب های گوناگون از جمله اهداف دوره های تحصیلی، شایستگی های عمومی و مشترک، و اهداف حوزه های تربیت و یادگیری، محور تدوین محتواهای آموزشی و جهت دهنده فرایند یاددهی یادگیری در کلاس درس شده اند یا در حال شدن هستند.

نمونه ای از اهداف این دوره های تحصیلی عبارت است از:

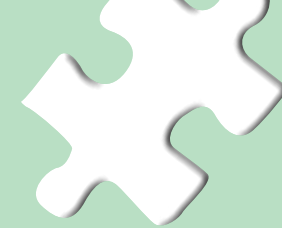
● با پدیده ها و مسائل اقتصادی آشنا می شود و آن ها را در زندگی شخصی خود به کار می گیرد (یکی از اهداف ساحت اقتصادی حرفه ای).

و نمونه اهداف حوزه های تربیت و یادگیری:

دانش و مهارت های ریاضی را کسب و در بررسی روابط و الگوهای حاکم بر نظام خلقت و تغییراتشان از آن ها استفاده می کند (یکی از اهداف حوزه تربیت و یادگیری ریاضیات).

و نمونه شایستگی پایه و عمومی عبارت است از:

دانش آموز به عنوان یادگیرنده خود را هبر، می تواند مطالب و دانسته های جدید را به صورت مستمر کسب کند.



اندازه‌گیری پرده‌ها و محاسبه آن‌ها و مواردی از این قبیل را انجام دهند. البته که هر کدام ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های خودش را دارد. در اندازه‌گیری دیوارها باید اندازه درب و پنجره‌ها از آن کم شود. پرده‌ها به دلیل چینی که می‌خورند، باید بیش از اندازه پنجره‌ها باشند و موارد مشابه.

آقای مدیر می‌گفت: «متأسفانه دانش‌آموزان در مرحله اول و بدون کمک ما نتوانستند اندازه‌گیری درستی از دیوارها، پرده‌ها، درب و پنجره‌ها انجام دهند. تعجبم از آنجا بود که بچه‌ها مترمربع و اندازه‌گیری مساحت را در پایه سوم و چهارم ابتدایی خواندند و یاد گرفتند، پس چرا الان پایه هشتم هستند و هنوز نتوانستند اندازه مساحت دیوارها منهای درب و پنجره‌ها را درست محاسبه کنند و همین‌طور موارد دیگر. ولی از حق نگذریم، وقتی آن‌ها نحوه اندازه‌گرفتن را دیدند و همراهی کردند، خودشان در مرحله بعد توانستند اندازه دیوار، سقف و پنجره‌های راهروی مدرسه را محاسبه کنند (یعنی سال‌ها مباحث ریاضی همچون: اندازه، مساحت، جمع و تفریق را آموزش دیده بودند، ولی یاد نگرفته بودند) و به محض اینکه یک‌بار دانش نظری خود را با راهنمایی مربی در عمل پیاده کردند، این یادگیری ملکه ذهن آن‌ها شد و برای دفعه بعد به موضوع اشراف پیدا کردند».



یادگیری از طریق بردن بچه‌ها به آزمایشگاه، اردوها و بازدیدهای علمی، فرهنگی و اقتصادی، بازدید از نمایشگاه‌ها، کارخانه‌ها، شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری، بازارها و کسب‌وکارهای مرتبط و... است.

نیمه دوم این مهم بر دوش خانواده‌هاست. خانواده‌ها باید از طریق عمل به آداب صحیح زندگی منطبق با فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و اجرای درست مهارت‌های زندگی در خانواده و جامعه، الگوی عملی برای فرزندان خود باشند. پدر و مادر باید برای فرزندان الگوی عملی و عینی صبور، آرامش، برقراری ارتباط صحیح با دیگران و ارتباط متقابل، و صداقت باشند. همچنین آن‌ها باید مهارت نه گفتن، حل مسئله و همچنین تمرین فعالیت‌های پایه و بنیادین اقتصادی با نگاه تربیت اقتصادی و سواد مالی را، که از مفاهیم و مهارت اقتصادی ساده گرفته است تا پیچیده همچون: پس‌انداز کردن، مدیریت خرج و مخارج ماهانه، کسب درآمد، قناعت و صرفه‌جویی و موارد مشابه، به آن‌ها آموزش دهند.

بنابراین لازم است هم کلاس درس با محوریت معلم، خود را به آن سطح برساند که دانش‌های نظری را به عمل برساند و هم والدین دانش‌آموزان پای کار باشند و همراه با کلاس درس و معلمان، دانش‌ها و دانسته‌های جدید فرزندان خود را در محیط زندگی و جامعه پیاده کنند و با آن‌ها تمرین کنند.

شایستگی‌های فرزندان روزافزون...

گاهی در کلاس درس در آخرین دقایق کلاس در مورد مدرسه و راه‌های دل‌انگیز تر شدن آن با بچه‌ها صحبت می‌شد. روزی به کلاس رفتم و احساس کردم بچه‌ها می‌خواهند مطلبی را با من در میان بگذارند، ولی کسی پیش قدم نمی‌شود. خودم گفتم: «چیزی شده؟ حرف خاصی دارید؟» یکی دو نفر آن‌ها گفتند: «نه آقا، چیزی نیست». من گفتم: «به نظر، نگاه شماها می‌گوید حرفی هست که باید گفته شود». یکی از آن‌ها گفت: «مگر شما نگفتید به دنبال راهکارهای جذاب تر شدن مدرسه برای دانش‌آموزان هستید؟» گفتم: «بله هستم». گفت: «چرا ما نمی‌توانیم کلاس خود را طبق علاقه‌های خود زیباسازی و تزئین کنیم؟» من گفتم: «مثلاً می‌خواهید کلاس چگونه شود؟» گفتند: «مثلاً رنگ دیوارها آبی آسمانی شود و پرده لیمویی رنگ نصب شود. رنگ درب و پنجره‌ها هم به رنگ زرشکی و همه آن‌ها یک‌رنگ شوند». حتی گفتند: «برای اینکه هزینه آن برای مدرسه زیاد نشود، حاضریم خودمان کار رنگ‌کاری، نقاشی و... را انجام دهیم».

برآوردی کردم و با خودم گفتم ارزش توجه به احساس و خواسته دانش‌آموزان بیش از این حرف‌هاست. با این امید که اگر با این تغییر در فضای فیزیکی کلاس، کمی انگیزه، شور و شوق یادگیری و حس خوب در آن‌ها بیشتر شود، ارزشش را دارد.

قرار شد خودشان همه کارها را از جمله اندازه‌گیری دیوارها، خریداری میزان رنگی که برای دیوارها، سقف، درب و پنجره‌ها لازم است،

در ادامه مطلب

به زبان وی بیان می‌شود.

حرفم چیست؟ اینکه اهداف و انتظارات

خوبی برای هر دوره و پایه تحصیلی تعریف و تعیین شده است، که باید دانش‌آموزان در دوران تحصیل آن‌ها را کسب کنند تا بتوانند توانمندی‌های خوبی داشته باشند و در زندگی حال و آینده خود، فردی شایسته و باصلاحیت در ابعاد گوناگون باشند.

از نحوه صحیح برقراری ارتباط با دیگران، تشکیل خانواده و قبول مسئولیت و مدیریت اقتصادی زندگی خود گرفته است تا موفقیت در ابعاد عمومی کار، حرفه و شغل آینده خود، همچون رعایت اخلاق، کسب روزی حلال، مدارا کردن با مشتری، یادگیری مادام‌العمر و یادگیری‌های پایه، همه و همه در این اهداف و انتظارات در نظر گرفته شده‌اند.

تحقق این اهداف و درونی‌شدن آن‌ها در دانش‌آموزان فقط با کسب دانش نظری در مدرسه و محدود بودن به ساعت‌های کلاس درس نظری اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه این مهم نیازمند پرداختن مدرسه به بُعد عملی این دانش و